چون رسول الله صلی الله علیه وسلم در وقتی از شب بیدار می شد، تکبیر (الله اکبر) گفته و سپس این دعا را می خواند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ».

از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که می گوید: چون رسول الله صلی الله علیه وسلم در وقتی از شب بیدار می شد، تکبیر (الله اکبر) گفته و سپس این دعا را می خواند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ»: «پروردگارا، تو را از ناتوانی ها و ناشایستی ها، پاک و منزّه می دانم و ستایش و سپاس تو را بیان می دارم و نام تو، بزرگ و با برکت است و عظمت و بزرگی تو، والا و ارجمند است و هیچ معبودِ بر حقّی جز تو نیست» آنگاه سه بار «لااله الاالله» می گفت و پس از آن سه بار «اللهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا» و سپس «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ مِنْ هَمْزِهِ وَنَفْخِهِ وَنَفْثِهِ» خوانده و آنگاه قرائت می کرد. [ترجمه ی دعا: پناه می برم به الله شنوای دانا، از شرّ شیطان رانده شده، از جنون، کبر و سحر او].

[صحیح است] [به روایت ابن ماجه - به روایت نسائی - به روایت ابوداوود - به روایت احمد]

"چون رسول الله صلی الله علیه وسلم در وقتی از شب بیدار می شد، تکبیر (الله اکبر) می گفت" یعنی: تکبیر تحریمه را که یکی از ارکان نماز است و نماز جز با آن صحیح نیست، می گفت. سپس می گفت: "سُبْحَانك اللَّهم" یعنی: تو را از چیزهایی که انتساب آن شایسته تو و شایسته جلال و شکوهت نیست مبرا می دارم و از هر گونه نقص و عیبی تو را پاک و مبرا می دانم. "وبحَمْدِك": ستایش و شکر و سپاسگذاری از الله متعال بر این توفیق می باشد. یعنی: اگر توفیق و هدایت تو نبود، تو را تسبیح نمی گفتم. و این اعتراف بنده به فضل الله متعال است و اعتراف به عجز و ناتوانی خود در صورت عدم توفیق الله متعال می باشد. "وتبارك اسْمُك": از برکت به معنای کثرت و گستردگی می باشد؛ به این معنا که برکت های او در آسمان ها و زمین گسترده و بسیار زیاد و وسیع است. و همه اینها یادآوری است مبنی بر اینکه خیرات و نیکی ها ویژه اوست. "وتعالى جَدُّك"؛ «الجَدُّ» یعنی: عظمت. یعنی: عظمت و بزرگی تو والاست و بالاتر و برتر از هر بزرگی و عظمتی است و شان و مرتبه تو از هر شان و مقامی برتر است. و فرمانروایی تو بر همه غالب است. پس الله متعال بسیار باعظمت تر و بزرگ تر از آن است که در پادشاهی یا ربوبیت یا الوهیت یا چیزی از اسماء و صفاتش شریکی داشته باشد. به همین دلیل پس از آن می فرماید: "ولا إله غَيْرك" یعنی: هیچ معبود برحقی جز تو نیست و تو مستحق عبادت هستی؛ یکتایی و در صفات نیکویی که برای خود برشمرده ای و نعمت های بزرگی که عطا نموده ای، یگانه ای و شریک و همانندی نداری. این دعای شروع نماز شامل ثنا و شکر الله متعال و تنزیه و پاک شمردن او از هر چیزی است که لایق شان او نیست و اینکه از هر نقص و عیبی مبرا است. این یکی از دعاهای شروع نماز است که در این باب وارد شده است و بهتر این است که گاه این ذکر و گاه اذکار دیگر را بخوانیم، تا اینکه به تمامی مواردی که در سنت آمده عمل کرده باشیم. از جمله اینکه سه مرتبه «لا إله إلا الله» بگوییم. و «لا إله إلا الله» یعنی: هیچ معبود برحقی جز الله نیست. الله متعال می فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَن مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ» [حج: 62] «زیرا الله، (پروردگار) بر حق و راستین است و بی گمان آنچه جز او می خوانند، باطل می باشد». سپس سه مرتبه می فرمود: «الله اکبر کبیرا»؛ یعنی: الله متعال از هر چیزی بزرگ تر است. و پس از دعای استفتاح از شیطان رانده شده به الله پناه برده و می گفت: "أعُوذُ بالله السَّمِيع العليم" یعنی: به الله شنوای دانا پناه می برم. "من الشَّيطان" از شیطان متمرد و سرکش، از شیطان های انسی و جنی. "الرجيم" یعنی طرد شده و رجم شده و دور از رحمت الله. پس آن را بر من مسلط مکن که در دین و دنیایم به من آسیب برساند و مرا از انجام کارهایی که در دین و دنیایم به سود من است باز ندارد. و هرکس به الله پناه برد، به پناهگاه محکمی پناه برده است و به نیرو و قوت الله چنگ زده است از شر دشمنی که می خواهد پیوند او با پروردگارش را از بین ببرد و او را در هلاکت بیندازد. "من هَمْزِه"؛ همان صرع و جنون است که

برای انسان پیش می آید، زیرا شیطان گاها انسان را دچار دیوانگی و جنون می کند؛ بنابراین پناه بردن از آن مشروعیت یافته است. "ونَفْخِه" یعنی: کبر. چون شیطان انسان را دچار وسوسه می کند و او را دچار خودبزرگ بینی نموده و دیگران را حقیر می پندارد و به این ترتیب به بزرگی و عظمت خود می افزاید. "ونَفْثِه" و مراد از آن سحر است؛ و در این بخش از شر ساحران به الله متعال پناه می برد؛ چون مصداق «النَّفَّاثات في العُقد» ساحران هستند که نخ ها را گره می زنند و در هر گره می دمند تا سحری که مد نظر دارند منعقد گردد. "سپس قرائت می کرد" یعنی قرائت می کرد و قرائت را با سوره ی فاتحه آغاز می کرد.

http://sunnah.global/hadeeth/fa/show/10905